



"تضاد منافع"

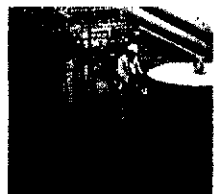
داوود اویسی



مقدمه

یک نقل قول دیپلماتیک می‌گوید: هیچ کشوری نه دوستان ثابت دارد و نه دشمنان دائمی. اما منافع ملی آن همواره ثابت است و این عامل در تعیین دوستان و دشمنان نقش پررنگ ایفا می‌کند. به تعبیری می‌توان مدعی شد که در منافع ملی، سیاست خارجی و روابط متقابل بین دو دولت و کشور را جهت‌دهی می‌کند. روسیه (و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی) در سال‌های پیش را باید مصداق عینی رابطه بین منافع ملی و تعیین دوستان و دشمنان به شمار آورد. بررسی اجمالی نقش روسیه در تحولات تاریخ معاصر ایران مهر تاییدی بر ثابت نبودن دوستان و دشمنان در ادوار مختلف می‌زند.

هر گاه منافع ملی روس‌ها ایجاب می‌کرد آنها حتی مجلس ملی ایران را به توپ بستند و روزی دیگر از در دوستی درآمدند و می‌آیند. روس‌ها در چشم طعم داشتن به سرزمین ایران نیز خاطراتی تلخ برای ما رقم زده‌اند. آنان هرگاه از جانب قدرت‌های بزرگ جهانی فراغت یافتند. لشگرهای خود را به سمت شهرهای ایران راهی می‌کردند و با بهره گرفتن از غفلت و رخوت حکومت‌ها (به ویژه شاهان قاجار) بخشی از خاک میهن ما را به خاک خود ضمیمه کردند و حتی هزینه قشون‌کشی‌های خود را نیز دریافت کردند. عهدنامه‌هایی چون گلستان و ترکمنچای که برگ‌های سیاه از تاریخ ایران را رقم زده حاصل محاسبات روس‌ها بر اساس منافع ملی بوده است.



مردم مقاومت می‌کرد.

با پیروزی انقلاب سرخ در روسیه و شکل گرفتن اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و با توجه به شعارهای جهان وطنی آنان و نفی استعمار، استعمار و سلطه‌طلبی در سخنان سران آنان بارقه‌ای از امید در دل آزادی خواهان سطحی‌نگر به وجود آمد اما دیپلماسی روس‌ها رنگ عوض نکرده و بر همان سیاق در تأمین حداکثر منافع ملی راه خود را طی کرد.

تقسیم ایران به سه منطقه مجزا و سال‌ها حضور نظامی در شمال ایران و سرکوب آزادی خواهان و وطن پرستان کشور در سال‌های اولیه قرن چهاردهم خورشیدی یکی دیگر از صفحات تاریک میهن ما را رقم زد.

نهضت جنگل و خیانت روس‌ها نسبت به میرزا کوچک خان و اشغال نظامی آذربایجان و نقش غیر قابل انکار روس‌ها و حزب دست نشانده آنان - حزب توده - در شکست خوردن دولت ملی دکتر محمد مصدق و سلطه دوباره حکومت پهلوی بر ایران همه و همه رد پای

مجلس با فشار مردمی و با امضای مظفرالدین شاه قاجار (که در بستر مرگ بود) بر پای سند قانون اساسی شکل گرفت اما محمدعلی شاه جانشین وی در گام نخست از امضای متمم قانون اساسی سر باز زد و پایان عمر کوتاه مجلس اول با تکیه بر قدرت های جهانی چون روس و انگلیس در برابر خواست



همسایه شمالی ایران در تمام طول تاریخ معاصر واکنش‌هایی منفی نسبت به پا گرفتن آزادی دموکراسی و نهادینه شدن حکومت ملی در ایران داشته است که ریشه آن را باید در منافع ملی آنان دید. حمایت آنان از حکومت‌های ضعیف و وابسته و دیکتاتور حاکم بر ایران و در انزوا قرار دادن ایران منجر به گرفتن امتیازهای شیرینی برای روس‌ها شده است. آنها از دیرباز برای ما همسایه‌ای غیر قابل اعتماد بوده‌اند. با نگاهی به تاریخ پر فراز و نشیب دو بیست سال اخیر در خواهیم یافت که "روس‌ها" هیچگاه دوستانی صادق برای ما نبوده‌اند و در اغلب مقاطع تاریخ بزرگ‌ترین تهدید برای ثبات، استقلال و آزادی سرزمین ما از سوی مرزهای شمالی شکل گرفته است.

۱۴ مهر سال ۱۲۸۵ هجری خورشیدی پس از تأسیس مجلس مهستان، ایران بار دیگر صاحب مجلس آزادی خواه و ملت محور شد و به تدریج با منظم شدن جلسات، مذاکرات آن نیز صورتی جدی به خود گرفت و مجلس، تصمیم‌گیری در امور مهم کشور را در دستور کار خود قرار داد. این



میلاادی تمدید شد. در سال ۱۹۹۱ میلادی و در پی فروپاشی شوروی و ظهور کشورهای مشترک المنافع، روس‌ها و اقماریان دارای چهار رای و ایران دارای یک رای شد. در نشست عشق آباد (۱۹۹۶) مقرر شد که هر تصمیمی در خصوص این دریا باید به اتفاق آرا اتخاذ شود. این در حالی است که در این سال‌ها روس‌ها با زیرکی خاص خود ابتدا در پی موافقت‌های دوجانبه (روسیه آذربایجان و روسیه قزاقستان) و سپس توافق‌های سه جانبه خود (روسیه، آذربایجان و قزاقستان) بوده‌اند.

روس‌ها از شروع مذاکرات تعیین رژیم حقوقی دریای مازندران دو روش را به طور همزمان پیش بردند. آنها معتقد به تقسیم در بستر و مشاع در سطح هستند. بدین ترتیب سهم ایران کمترین سهم بین پنج کشور ساحلی دریای مازندران خواهد بود. در حالی که با هر یک از دوروش سهم روس‌ها ۱۹-۲۰ درصد خواهد بود. گفتنی است که کالیوژنی (نماینده تام الاختیار روس‌ها) بارها از زیاده‌طلبی!! ایرانی‌ها در قضیه "دریای مازندران" سخن گفته است، حال چرا و به چه دلیل باید هزینه فروپاشی شوروی را بدهیم؟ سستی و اهمال دستگاه دیپلماسی ایران می‌رود تا دریای مازندران را از کتاب‌های جغرافی به لابلای کتاب‌های تاریخ منتقل کند.

از یک سو، حرکت گام به گام روس‌ها در رابطه با "دریای مازندران" و تلاش آنها برای تبدیل معاهده‌های دو جانبه با آذربایجان و قزاق‌ها به موافقت‌نامه‌های سه و چهار جانبه و تحمیل رژیم حقوقی "مورد نظر" روس‌ها و از طرفی دیگر نظامی کردن دریای مازندران به بهانه مقابله با جدایی طلبان چچن و از همه مهم‌تر دعوت از آمریکا برای حضور بر سر سفره گسترده دریای مازندران (آمریکایی‌ها در این قضیه نیز نماینده ویژه دارند) تهدید کننده "حداقل مرزهایی است" که روس‌ها برایمان باقی گذاشته‌اند!

۳- جهان انرژی

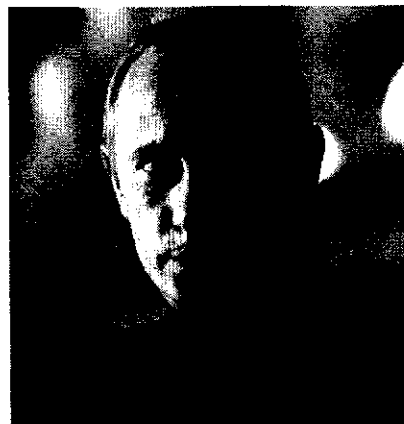
روسیه را باید غول نفت و گاز جهان به شمار آورد که با توجه به منابع بیکران انرژی نیض این بازار را در اختیار دارد. پس از سال‌ها رخوت (به دلیل اقتصادی نبودن قیمت بازارهای جهانی و گاز برای تولید پر هزینه در روسیه) و در پی افزایش تصاعدی قیمت‌ها بنا به دلایلی چون بروز ناامنی در منطقه نفت خیز خاورمیانه و تنش و درگیری در عراق و تحرکات گروه‌های افراطی (همچون طالبان و شاخه‌های آن) و حمله انتحاری به تاسیسات نفتی

سال‌ها از جنگ عراق علیه ایران و تحولات دو دهه اخیر در روسیه (فروپاشی شوروی) و عراق (تحریم‌های همه جانبه جهانی علیه عراق) مطالبات روس‌ها از عراق به بیش از هفت میلیارد دلار می‌رسد.

تنها در بین سال‌های ۱۹۸۳-۱۹۸۸ میلادی عراق ۸۴ میلیارد دلار تسلیحات خریداری کرده است که بیش از نیمی از این مبلغ برای خریدهای تانک‌های تی ۷۲ و موشک‌های بالستیک اسکاد راهی خزانه روس‌ها شده است! تاکنون گزارش‌های فراوانی از کمک بی دریغ روسیه برای انتقال فناوری‌های کشتار جمعی به بغداد و حاکمان پیشین آنان منتشر شده است.

۲- دریای مازندران

اوج "تضاد منافع ملی"، بین دو کشور ایران و روسیه را می‌توان در تعیین رژیم حقوقی این دریا دید و به تعبیری پهنه‌ی دریای مازندران صحنه رویارویی مستقیم روس‌ها و ایران است. اولین موافقت‌نامه بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۲۱ بین دو کشور به امضا رسید. همین قرارداد در سال ۱۹۴۰



روس‌ها را بر تارک خود دارد.

در سال‌های پس از انقلاب با توجه به قطع روابط بین ایران و ایالات متحده آمریکا، روس‌ها "در ظاهر" تبدیل به متحد استراتژیک ایران شدند اما در باطن "منافع ملی روس‌ها" چالش‌های بسیار جدی یا "منافع ملی ایران" پیدا کرده است و همسویی آنان با آمریکا غیر قابل انکار و اغماض است. در مجال پیش رو روابط بین ایران و روسیه در دو دهه اخیر مورد بازبینی قرار گرفته است.

۱- هشت سال دفاع مقدس

با فاش شدن بخش‌هایی از گزارش تسلیحاتی ۱۲ هزار صفحه‌ای عراق که شامل برنامه تسلیحاتی این کشور از اوایل دهه هفتاد میلادی تا سال ۱۹۹۸ است نام کشورهایی چون آمریکا، آلمان، انگلستان، فرانسه و به خصوص روسیه و کشورهای اروپای شرقی (اقمار اتحاد جماهیر شوروی) در تجهیز و به اجرا در آمدن برنامه‌های میلیتاریستی حزب بعث عراق در منظر عموم قرار گرفت.

در دوران هشت سال دفاع مقدس نیز ردپای پر رنگ از "روس‌ها" را شاهد بوده‌ایم. حمایت تسلیحاتی از عراق (ارتش عراق وابستگی زیادی به صنایع نظامی روسیه داشته و دارد) از نمونه‌هایی است که روس‌ها با مهارت "بازار تسلیحاتی" خود را رونق بخشیدند هر چند که از این تجارت پر سود نصیب مردم ما گلوله و موشک‌هایی بود که نشان USSR داشتند.

حضور ملموس و قابل اعتنا روس‌ها (اتحاد جماهیر شوروی) در تجهیز "ماشین جنگی" عراق از سال ۱۹۷۲ میلادی و پس از عقد قرارداد همه جانبه بین دو کشور آغاز شد و اوج آن در سال‌های تجاوز و تعدی عراق به ایران بود. از گستردگی حمایت‌های نظامی روس‌ها از عراق همین بس که پس از گذشت

در برخی از کشورهای خاورمیانه همچون عربستان، عرصه را برای تاخت و تاز مناسب می‌بیند.

منابع نفتی جهان بازارهای جدیدی را می‌طلبد. چین و ژاپن و کره در آسیا و کشورهای اروپایی و حتی آمریکا از مشتریان موثر منابع نفت و گاز روس‌ها هستند قابل ذکر است که جدای از ایالات متحده آمریکا، بازار جنوب و جنوب شرق آسیا و اروپا از مشتریان نفت و گاز ایران به شمار می‌روند که آماج تحرکات روس‌ها قرار گرفته‌اند. تنظیم موافقت‌نامه ۱۵۰ میلیارد دلاری با چین برای احداث خط لوله ۲۴۰۰ کیلومتری از سبیری شرقی به شهر راکین در شمال چین که انتقال دهنده سالانه ۳۰ میلیون تن نفت خام تا سال ۲۰۱۰ میلادی به چین خواهد بود در کنار خط لوله چهار هزار کیلومتری در سواحل اقیانوس آرام برای انتقال نفت شرق روسیه به بندر ناخودکام نشان از اشتیاق روس‌ها دارد. آنها حتی بازارهای داخلی در منطقه خاورمیانه را نیز در دستور کار قرار داده‌اند و تصمیم گرفته‌اند که بخشی از نفت خود را با استفاده از خط لوله‌ای که از بندر اسرائیلی اشلون در مدیترانه به بندر ایلات در دریای سرخ کشیده شده است بازار شبه ایتحصاری عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس را به چالش بکشند.

اقتصاد وابسته به نفت ایران متاثر از سیاست و اقتدار سازمان اوپک در بازار جهانی است. روس‌ها تبحر ویژه‌ای در اجرای سیاست‌های مورد نظر آمریکا برای بازار نفت جهان دارند "شیرهای نفت ارزان روسی" نقش ویژه‌ای در شکستن اقتدار اوپک و کاهش درآمد ما دارد؛ در سال میلادی گذشته روس‌ها حدود دو میلیون بشکه در روز صادرات نفت خام خود را افزایش دادند تا آمریکا بتواند علیرغم وجود شرایط جنگی در منطقه خاورمیانه قیمت نفت و میزان عرضه آن را تا حدودی کنترل کنند.

در بازار جهانی گاز نیز غول روسیه در برابر بازارهای ایران قرار دارد. برقراری ارتباط بین خطوط انتقال گاز ایران به ترکیه، یونان و سرانجام اروپا در پس دیپلماسی فعال روس‌ها که دارنده ۲۷ درصد ذخایر گازی دنیاست، قرار دارد.

بی تردید یکی از مهم‌ترین دلایل بهانه جویی‌های ترک‌ها در تحویل گرفتن گاز ایران و در آخر "دامپینگ اجباری!" ما توسط ترک‌ها، کارشکنی روس‌ها بود. روس‌های آزران فروش "توان چانه زنی ترک‌ها را بسیار بالا بردند؛ بهانه‌های عجیب و غریب ترک‌ها مبنی بر تأخیر ایران در تکمیل خطوط لوله و ایستگاه‌های پمپاژ و تنظیم فشار گاز و پایین بودن

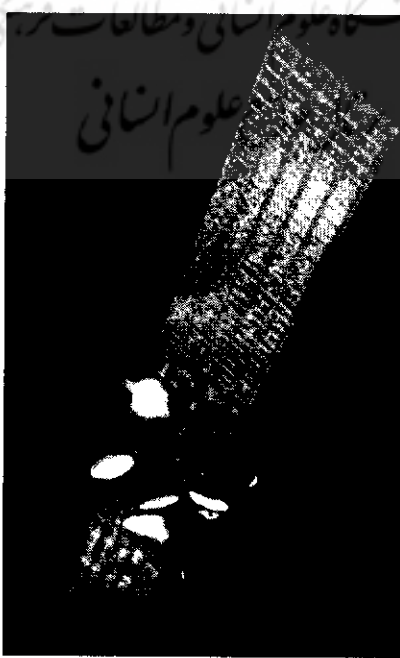
مراحل گشایش پروژه ماهواره زهره انجام می‌شود

در صورتی که ساخت ماهواره زهره در سال ۲۰۱۰ میلادی آغاز شود، در سال ۲۰۱۲ میلادی به مدار زمین فرستاده می‌شود. این ماهواره در مدار زمین به مدت ۲۲ ماه قرار می‌گیرد و در این مدت اطلاعاتی را در مورد زمین و فضا جمع‌آوری می‌کند. این ماهواره در سال ۲۰۱۳ میلادی به مدار ماه فرستاده می‌شود و در این مدار به مدت ۲۲ ماه قرار می‌گیرد و در این مدت اطلاعاتی را در مورد ماه و فضا جمع‌آوری می‌کند. این ماهواره در سال ۲۰۱۴ میلادی به مدار زمین فرستاده می‌شود و در این مدار به مدت ۲۲ ماه قرار می‌گیرد و در این مدت اطلاعاتی را در مورد زمین و فضا جمع‌آوری می‌کند.

کیفیت گاز صادراتی ایران و دهها بهانه ریز و درشت دیگر همه و همه با عنایت روس‌ها ممکن شد فراموش نکنیم روسیه نیز با توجه به داشتن منابع فراوان گاز، ایران را رقیبی جدی در بازار نه چندان پر رونق فعلی می‌داند و تاگفته پیداست که به دنبال پیدا کردن جای پای برای حضور در بازار هند خواهند بود. ترکیه و هند عرصه‌ای دیگر از تضاد منافع دو کشور را رقم می‌زند و عدم پیوستن روسیه به اوپک نیز نشانی از تقابل منافع است!

۴- ماهواره زهره

طرح ساخت و پرتاب ماهواره زهره در سال ۱۳۵۶ به امضای مقامات اجرایی کشور رسید که به دلیل پیروزی انقلاب اسلامی تا سال‌ها به بایگانی فرستاده شد. این پروژه زیربنایی در سال ۱۳۶۵ مجدداً در دستور کار دولت قرار گرفت و حتی برای آن اعتبار در بودجه همان سال پیش‌بینی شد اما تا سال ۱۳۷۹



که اتحادیه بین‌المللی ارتباطات در مورد مهلت استفاده از نقاط مداری به ایران هشدار جدید داد و با توجه به عزم این اتحادیه برای عدم تمدید مهلت، دولت مردان ایران در تکاپوی یافتن یک شریک خارجی برای اجرای این پروژه، مناقصه‌ای توسط وزارت پست و تلگراف و تلفن و با حضور کشورهای روسیه، فرانسه، هند و چین برگزار شد و در نهایت هیات منتخب شورای اقتصاد، کشور روسیه را به دلیل قیمت مناسب‌تر و تکنولوژی برتر و خدمات پس از فروش انتخاب کردند. در روسیه دو "شرکت واسطه‌ای" اینتراسپودینگ و آویاکسپورت تلاش‌های خود را برای به دست گرفتن این پروژه آغاز کردند. حال چگونه این شرکت‌ها می‌توانند دارای تکنولوژی برتر و خدمات پس از فروش مناسب باشند را باید از هیات منتخب شورای اقتصاد پرسید سرانجام شرکت آویاکسپورت به عنوان سازنده زهره معرفی شد و مذاکرات ایران و طرف‌های روسی در اوایل دهه‌ی هشتاد تکمیل و متن پیش‌نویس قراردادها به امضای دو طرف رسید. البته این پایان ماجرا نبود و قرارداد نهایی بین ایران و طرف روسی به یک مشکل اساسی برخورد که پیامدهایی دیگر در بر داشت.

پیشنهاد غریب روس‌ها مبنی بر گنجانیدن یک بند جنجالی در قرارداد بخش‌هایی از حاکمیت در ایران را به واکنش جدی در قبال کل قرارداد واداشت. شاقعی سفیر ایران در روسیه چندی پیش در گفت‌وگو با یک روزنامه صبح در این خصوص گفت: "طرف‌های روس پس از پاراف قرارداد و بر خلاف عرف بین‌الملل پیشنهاد کردند به خاطر این که ممکن است آمریکایی‌ها بر دولت روسیه فشار بیاورند تا نگذارند ماهواره ساخته شود. تصمیم حکومت‌ها برای توقف پروژه را نیز جزو موارد اضطرار قرار دهیم. البته روس‌ها بعداً گفتند که دولتشان تضمین می‌دهد که از این حق استفاده نکنند و ما هم در پاسخشان گفته‌ایم که از حکمت به دور است که تعهدی را در قرارداد تثبیت کنیم که هیچ وقت اجرا نمی‌شود."

گفته‌های شاقعی تأییدکننده این موضوع است که متحد استراتژیک ما بدون اجازه آمریکا آب هم نمی‌خورند!

۵- تکنولوژی فرسوده روسی

ارتباط تکنولوژیک با روسیه از زمان شاهان قاجار مد نظر تصمیم‌سازان کشور قرار گرفت. تسخیر بخش‌هایی از خاک ایران توسط روسیه و رفت و آمدهای دیپلماتیک که پیامد قراردادهای گلستان و ترکمنچای بود ایرانیان را با پیشرفت‌های

صنایع روسیه آشنا ساخت و زمینه را برای بهره گرفتن از توانایی‌های تکنولوژیک روس‌ها فراهم ساخت اما منافع ملی روس‌ها هیچگاه اجازه نداد که علوم و فنون جدید از راه‌های شمالی وارد کشور شود. ایران انقلابی در پی تنش و درگیری با آمریکا و فتح سفارت آمریکا و پیامدهای آن از جمله تحریم اقتصادی و تکنولوژیک این کشور علیه ایران شرایط ویژه‌ای را پیش روی روس‌ها باز کرد و آنها را "شریک‌بی‌بديل" در برخی از عرصه‌ها کرد.

"کرم‌لین نشینان" استاد فروش تکنولوژی‌های از رده خارج به ایران هستند. برای اثبات این ادعا کافی است نگاهی به سانحه‌های هوایی ایران در سال‌های اخیر بیاندازیم. نام‌های تکراری توپولف، ایلوشین، آنتونوف و سوخو برای ما ایرانی‌ها بسیار آشنا است. در یازدهم آذرماه سال ۱۳۷۳ ناطق نوری (رییس وقت مجلس) و علی نقی خاموشی (رییس اتاق بازرگانی ایران) و هیات همراه به گرمی توسط نخست وزیر اوکراین مورد استقبال قرار گرفتند و بدین سان قرارداد "ماروز" امضا شد.

از پیش شرط‌های اوکراین برای امضای این قرارداد سیاسی، اقتصادی و نظامی، اجازه عبور خط لوله انتقال گاز ترکمنستان از خاک ایران به سمت اوکراین و خرید هواپیماهای توپولف و آنتونوف بود. اوکراین و روسیه مشکلات خود را با کمک ایران به بهترین نحو ممکن فیصله دادند. در وانفاسایی که بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین هواپیماسازان جهان مانند بویینگ و ایرباس زیان‌دهی را تجربه می‌کنند روس‌ها برنده اصلی معامله ایران و اوکراین بودند (بیش از هشتاد درصد قطعات آنتونوف ۱۴۰ یا همان ایران ۱۴۰

توسط روس‌ها تامین می‌شود و بیش از صد شرکت و موسسه روسی و اوکراینی احیا شدند!) قابل توجه است که خطوط هوایی روسیه و کشورهای مشترک‌المنافع با آنها رو به بهره گرفتن از هواپیماهای بویینگ و ایرباس در خطوط هوایی خود هستند و تکنولوژی فرسوده خود را به سمت ایران گسیل می‌کنند.

۶- انتقال فناوری هسته‌ای

سال‌هاست که روس‌ها برای تکمیل نیروگاه هسته‌ای بوشهر تعلل می‌کنند و چشم‌به‌دهان آمریکا دوخته‌اند و همیشه از زیر بار مسوولیت‌های خود شانه خالی کرده‌اند، در این سال‌ها آنها حرکات خود را بنابر سناریویی که آمریکا می‌نویسد تنظیم کرده‌اند!

نیروگاه اتمی بوشهر در سال‌های پیش از انقلاب توسط آمریکایی‌ها برای تولید برق هسته‌ای طراحی شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ عملیات اجرایی آن به آلمان واگذار شد. پس از آن که ژرمن‌ها از تکمیل و تجهیز نیروگاه اتمی بوشهر سر باز زدند و چینی‌ها نیز بنابر دلایلی از مشارکت در این پروژه خودداری کردند به ناچار ایران دست‌نیاز به سوی روسیه دراز کرد و روس‌های فرصت‌طلب که گرفتار تعطیلی کارخانه‌های خود بودند در ظاهر بدون توجه به اخطارهای آمریکا، بنای همکاری با ایران را گذاشتند و توانستند علاوه بر ایجاد و احیای بیست هزار شغل برای شهروندان روسی، اهرم بسیار مناسبی برای گرفتن امتیاز از ایران و آمریکا به دست آورند.

مقامات روسی در مورد همکاری هسته‌ای با ایران با توجه به موقعیت "زمان و مکان" موضع‌گیری‌های متفاوت و متناقضی را دنبال می‌کنند. چندی پیش

وزیر انرژی اتمی روسیه در گفت‌وگو با خبرنگاری آسوشیتدپرس گفته است: "هر چند روسیه برای ساختن یک نیروگاه هسته‌ای به ایران کمک می‌کند ولی ایران، روسیه را از دیگر پروژه‌های مخفی خود مطلع نکرده است" و این به مثابه چراغ سبزی به آمریکا است تا بتواند حلقه محاصره ایران را تنگ و تنگ‌تر کند!

"وزیر انرژی هسته‌ای روسیه" در یک موضع‌گیری دیگر معتقد است: "اگر گزارش‌های منتشر شده در نشریه آمریکایی تایم مبنی بر این که ایران یک مجتمع هسته‌ای خود را مجهز به دستگاه‌های سانتریفوژ برای غنی‌سازی اورانیوم کرده درست باشد وضعیت به وجود آمده نگران‌کننده است" اما روس‌ها در گفت‌وگوهای دوجانبه با ایران به گونه‌ای دیگر سخن گرفته‌واز اشتیاق وافر خود برای راه‌اندازی واحدهای دیگر سخن می‌گویند و این در حالی است که نیروگاه بوشهر کماکان در گیرودار امروز و فردا کردن روس‌ها روزگار می‌گذراند و آنها بنابر دلایل مختلف سعی در شانه خالی کردن از مسوولیت‌ها دارند. چندی پیش رییس دپارتمان محاسبات روسیه از نقش "یوگنی آداموف" (وزیر سابق انرژی روسیه ۲۰۰۱-۱۹۹۸) در اختلاس چندین میلیون دلاری و تعلل در ساخت فاز اول نیروگاه بوشهر سخن گفته بود. به نقل از روزنامه لس‌آنجلس تایمز "سرگی استباشین" در مصاحبه با تلویزیون روسیه اظهار داشته است که: ما و ایران هر دو این سوال برابیمان ایجاد شده که چرا ساخت نیروگاه بوشهر تا این اندازه طول کشیده است و پروژه‌های متعددی در بوشهر وجود دارد که با وجود پرداخت شدن پول آنها هنوز اجرا نشده است!؟

روس‌ها به دفعات از تحویل تجهیزات، امضای قراردادها و اجرای پروژه‌های مورد تعهد خود سر باز زده‌اند و با توجه به سابقه دیپلماسی فعال آنها که مبتنی بر "منافع ملی" است، در نهایت همگام با آمریکا و اروپا در برابر ایران صف خواهند بست. هر چند که آنها دعوت‌نامه‌های مختلفی از ایران برای همکاری‌های دوجانبه از ساخت نیروگاه و تاسیس شرکت تولید سوخت اتمی در جیب دارند اما نباید فراموش کرد که اگر روزی روس‌ها مجبور بشوند کارت‌های خود را از رو بازی می‌کنند ما تنها بازنده بازی آنها خواهیم بود زیرا ما و آنها در "اوج تضاد منافع" قرار داریم.

